

اقامه عزا برای امام حسین علیه السلام از منظر قرآن

سیده فاطمه حسینی^۱

نیره پورحمزه خردمرزی^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۸

چکیده

عزاداری برای سیدالشهدا علیه السلام یکی از بزرگ‌ترین مصادیق بزرگداشت شعائر الهی است. در حقیقت یکی از مهم‌ترین امتیازات جامعه شیعه، برخورداری از چشمه پر فیض نورانیت و معنویت عاشورا است. این چشمه جوشان از نخستین روزی که موضوع یادکرد مصیبت امام حسین علیه السلام و یارانش مطرح شد جریان یافت و تا امروزه همچنان جاری است و پس از این هم ادامه خواهد داشت. اما در طول تاریخ همواره کسانی بوده‌اند که علی‌رغم این که ادعای اسلام داشته‌اند، با اقامه عزا بر آن حضرت مخالف بوده و آن را نپذیرفته‌اند. بر این اساس با توجه به این که قرآن به عنوان کتاب الهی، مورد پذیرش همه مسلمانان است؛ پرسش پژوهش حاضر این است که آیا قرآن برای عزاداری بر آن حضرت دلایلی بیان کرده است؟

این مقاله در صدد است با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، به معرفی این آیات بپردازد. با نظری به آیات نورانی قرآن روشن می‌شود که عزاداری و برپایی مجالس عزا نه تنها با قرآن مخالفت و ناسازگاری ندارد، بلکه موجب تثبیت قلوب، ذکر و موعظه و از مصادیق شعائر الهی، مودت و محبت به اهل بیت علیهم السلام می‌باشد که در قرآن به آن‌ها سفارش شده است

واژگان کلیدی: قرآن، امام حسین علیه السلام، ادله قرآنی، عزاداری.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، fatemehhosseini113@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، n_pourhamzeh@yahoo.com

مقدمه

فاجعه خونبار و غم‌انگیز شهادت سرور شهیدان، حضرت امام حسین علیه السلام اثری عمیق و تألمی جبران‌ناپذیر بر دل‌های امت اسلامی و آزاداندیشان جهان نهاد. از روز دهم محرم سال ۶۱ ه.ق که این حادثه دلخراش روی داد تا کنون، امت اسلامی و دوستان آن حضرت، در شهادت مظلومانه او و یارانش و اسارت اهل بیت علیهم السلام عزادار بوده و اشک ماتم ریخته‌اند. تشکیل مجالس سوگواری و خواندن مرثیه و نیز سرودن شعرهای جانگدازی که بیان‌کننده مظلومیت و حقانیت آن امام و منعکس‌کننده جنایت‌های بی‌نظیر و قساوت قلب دشمنان آن حضرت باشد، همواره از سوی مسلمانان مورد توجه بوده است.

اهمیت عزاداری بر آن حضرت و آشنایی با تاریخ زندگی ایشان که به صورت یکی از شورانگیزترین حماسه‌های تاریخ بشریت درآمده، نه تنها از این نظر است که همه ساله نیرومندترین امواج احساسات میلیون‌ها انسان را در اطراف خود برمی‌انگیزد و مراسمی پرشورتر از هر مراسم دیگری به وجود می‌آورد، بلکه اهمیت آن بیشتر از این جهت است که هیچ‌گونه محرکی جز عواطف پاک دینی و انسانی و مردمی ندارد و این مجالس پرشکوه که به خاطر بزرگداشت این حادثه تاریخی انجام می‌گیرد، نیازمند هیچ مقدمه‌چینی و فعالیت‌های تبلیغاتی نیست و از این جهت در نوع خود بی‌نظیر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۳)

اغلب ما این حقیقت را می‌دانیم، ولی نکته‌ای که برای بسیاری هنوز به درستی روشن نشده و همچنان به صورت معمای در نظر آن‌ها باقی مانده این است که: چرا این قدر به این حادثه تاریخی که از نظر «کمیت و کیفیت» مشابه فراوان دارد، اهمیت داده می‌شود و چه دلیلی برای اقامه عزا وجود دارد؟ این نوشتار بر آن است تا با بررسی آیات قرآن، دلایل این کتاب الهی را جهت اقامه عزا بر آن حضرت بیان نماید.

بیان مسأله

عزاداری و سوگواری هدفمند بر عزیزان از دست رفته، جزء طبیعت بشر است و از مهر و محبت سرچشمه می‌گیرد که از آغاز آفرینش تا عصر حاضر رواج داشته است. از کسانی که



در طول تاریخ همواره برای ایشان مجالس عزاداری برپا گردیده است، حضرت اباعبدالله علیه السلام می باشد. از روزگار نخست خلقت آدم علیه السلام تا زمان وقوع حادثه جانگداز کربلا، جریان شهادت سید و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام به طرق مختلف مطرح گردیده است. برای آن امام همام، انبیاء و امامان گریسته و یا متالم شده اند و از ضجیع فرشتگان و بکاء آنان در کتب مشهور، سخن به میان آمده است.

علی رغم این که شرح عزاداری این بزرگان در کتب معتبر ذکر شده، اما در این میان کسانی نیز بوده اند که در مقابل این عزاداری ها جبهه گرفته و با برگزاری آن مخالفت کرده اند. در اثبات این موضوع دلایل بسیاری از سوی افراد مطرح شده و از مهم ترین این ادله، استناد به خود آیات قرآن کریم است. هدف از پژوهش حاضر پاسخ گویی به این پرسش است: دلایل قرآن برای اقامه عزای امام حسین علیه السلام چیست؟ در راستای دست یابی به این هدف، جستار حاضر ضمن تعریف عزاداری و اهداف آن، به بررسی آیات قرآن در این زمینه می پردازد. مقاله پیش روی، با روش توصیفی - تحلیلی این موضوع را مورد بررسی قرار می دهد.

پیشینه تحقیق

پیرامون مسأله عزاداری برای امام حسین علیه السلام، آثار مستقلی نگاشته شده است. برخی از این آثار عبارت اند از: عزاداری؛ بدعت یا سنت؟ (۱۳۸۲): حاجی بابایی؛ فلسفه عزاداری امام حسین علیه السلام (بی تا): سلیمی؛ فلسفه عزاداری یا اهمیت سوگواری (بی تا): قاسمی؛ نگاهی به عزاداری های حسینی (بی تا): ایازی؛ تحلیلی جامعه شناختی از سنت عزاداری امام حسین علیه السلام (۱۳۷۶): میرسپاه؛ فلسفه عزاداری (۱۳۸۷): رضوانی. اما در رابطه با دلایل قرآن بر اقامه عزای بر آن حضرت، اثر مستقلی مشاهده نگردیده است. هر چند در کتب و مقالات مختلف به آن اشاراتی گشته است. این مقاله تلاش می کند دلایل قرآن را جهت برپایی عزاداری بر آن امام، مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به این که حرکت تاریخی امام حسین علیه السلام الگویی کامل از صفات

آزادی خواهی، ظلم ستیزی، نفی استکبار و موارد مثبت و راه‌گشای دیگری است که برای بشریت به ارمغان داشته است، بدون تردید مراسم عزاداری بر آن حضرت در تبیین و تقویت مذهب شیعه و گسترش آن در اعماق جامعه و نفوذ آن در قلب‌ها نقش بسزایی خواهد داشت. از این رو مسأله عزاداری و برپایی مجلس حزن بر آن حضرت، مسأله‌ای نیست که مربوط به دوران خاص یا عصری خاص باشد بلکه امری است که با سرشت آدمی گره خورده است. از آن جایی که در قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی گریه کردن و سوگواری برای اولیاء الهی تأیید شده، پرداختن به این امر از منظر قرآن امری ضروری است.

مفهوم‌شناسی عزاداری

عزا در لغت به معنای شکیبایی کردن، شکیبایی در مصیبت، سوگواری، تعزیت سوگ و ماتم می‌باشد (معین، ۱۳۸۰: ج ۲: ۲۲۹۸) و همچنین به معنای سنگینی، وقار، متانت، تسلی، غمگساری، دل‌داری و مراسم عزاداری می‌باشد (آذرنوش، ۱۳۹۳: ۴۷۳)

در لغت‌نامه دهخدا آمده است که: عزا گرفتن به معنای زاری و شیون کردن و به حالت ماتم زدگان درآمدن و برای سوگ و مصیبت، لباس در بر کردن و به معنای اقامه سوگواری به سبب مرگ کسی است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۸۵۷)

در اصطلاح عزاداری در عرف عام به دو معنا اطلاق می‌شود:

الف. داغ‌دیدگی و عزاداری شخصی و بالفعل

ب. مراسم عزاداری که به صورت سنتی برای بزرگان دینی و دیگران برگزار می‌شود.

داغ‌دیدگی واقعی امری است غیراختیاری و افراد داغدار از مدار زندگی عادی خارج می‌شوند و باید به تدریج به زندگی عادی برگردند. اما مراسم عزاداری، کاملاً اختیاری و برنامه‌ریزی شده است و بخشی از برنامه‌های زندگی عادی افراد محسوب می‌شود.

داغ‌داری حالتی روانی و درونی است، ولی مراسم عزاداری معمولاً به صورت اجتماعی صورت می‌گیرد. برای عادی شدن زندگی فرد داغدار، عواملی به کمک می‌آیند، که از جمله آن‌ها مراسم عزاداری است (کاوایی، بی تا: ۶)

عزاداری و گریه بر مصائب اولیای خدا، اگر چه نه از اصول و نه از فروع دین است، اما بی ارتباط و التزام با برخی از اصول و فروع دین نیست. نخستین گام، نشان دادن جایگاه این سنت دیرینه در مجموعه دین و روشن کردن این مطلب است که عزاداری برای اولیای خدا، عموماً و برای سیدالشهدا، خصوصاً، چه جایگاهی در اسلام دارد. پاسخ به این سؤال، نزد شیعه، سهل است و آنان نیاز چندانی به کاوش در این باره ندارند. (بابایی، ۲:۱۳۸۲)

عزاداری بر امام حسین علیه السلام در طول تاریخ اسلام

از سنت های رایج در میان شیعیان، برگزاری مراسم عزاداری در ایام محرم و صفر برای شهدای کربلا به ویژه امام حسین علیه السلام است. بر اساس داده های تاریخی، عزاداری برای آن بزرگواران از روز بعد واقعه کربلا آغاز و در طول زمان با وجود فرازونشیب هایی ادامه یافته تا این که به شکل سنت سالیانه در فرم و شکل خاص همراه با مراسم و آداب درآمده است. از طرفی، بر اثر پیشرفت رسانه های گروهی و گسترده شدن روابط اجتماعی، جامعه های بشری به صورت جامعه ای کوچک درآمده و آداب و رسوم هر قوم و ملتی، خواه ناخواه در معرض دید و داوری دیگر اقوام و ملل قرار گرفته است. (عصمتی، بی تا: ۲۲۱)

«گرچه سوگواری و اشک ریختن بر مظلومیت اهل بیت عصمت در باره همه امامان مظلوم و شهدای اهل بیت علیهم السلام، دارای پاداش است؛ اما در این میان عزای امام حسین علیه السلام ویژگی چشمگیرتری، اثرگذاری و تحول آفرینی بالاتری دارد. در متون روایی شیعه از سوگواری ائمه علیهم السلام در سال روز شهادت یا وفات دیگر ائمه علیهم السلام گزارشی نیامده که امامی برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یا حضرت علی علیه السلام سوگواری کرده و به سوگ نشسته باشند یا مجلسی برگزار کرده باشند؛ اما همه آن ها تا جایی که شرایط حکومتی اجازه می داد، برای امام حسین علیه السلام مجلس عزای برپا کرده اند. از این رو، امامان بیشترین تأکید را درباره گریه و عزای زیارت امام حسین علیه السلام داشته و آن را به گونه ای منحصر به فرد کرده اند. همچنین ثواب و پاداش ویژه ای برای آن منظور شده است. که درباره دیگر امور مستحبی این تأکید ویژه را نداریم.

امربه سوگواری امام حسین علیه السلام در سیره ائمه علیهم السلام به صورت ویژه آشکار شده است و چنان مورد تأکید، تشویق و ترغیب قرار گرفته که چنین اهمیتی را درباره دیگر موضوعها و مناسبتها نداریم. این تأکید نشانگر این است که این حادثه فراتر از مصیبت یا جریان غم انگیز است و یادآوری غم بار فقدان عزیزان است. شکل گیری برگزاری آیین عاشورایی به دوران زندگی معصومان علیهم السلام بازمی گردد. پیشوایان دینی همواره بر این سنت تأکید کرده، آن را تشویق کرده اند. سیره عملی و گفتاری آنان نیز بر برپایی سوگواری امام حسین علیه السلام را یکی از راههای احیاء اهداف بلند نهضت حسینی شمرده است. آنان هم دیگران را به عزاداری سفارش می کردند. هم با توجه به فرصت های پیش آمده مجلس عزا به پا می کردند» (حجازی، ۱۳۹۳: ۸۰-۸۱)

فلسفه عزاداری بر امام حسین علیه السلام

بدون شک، فلسفه عزاداری امام حسین علیه السلام از فلسفه قیام حسینی جدا نیست، چنان که شناخت سیر تطوّر و تحوّل عزاداری و ریشه ها و علل عزاداری در دوران ائمه به ما چنین چیزی را می آموزد. دقیقاً همان عاملی که باعث شد حسین بن علی قیام کند و شهادت را با افتخار بپذیرد، دلیل و فلسفه ای است برای اقامه عزاداری او. اگر حسین به علی علیه السلام برای احیای اسلام و دفاع از قرآن و اقامه امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد، عزاداری وی باید وسیله ای باشد برای ترویج اسلام و دفاع از قرآن و اقامه عدل و ترویج امر به معروف و نهی از منکر. عزاداری که روح و بطن آن، این اهداف را به دنبال نداشته باشد و از محتوا و جهت گیری صحیح خالی باشد، نمی تواند با اهداف حسینی منطبق باشد. (ایازی، بی تا: ۱۵)

در سخنی از امام صادق علیه السلام در زیارتی که خطاب به آن حضرت است، می فرماید:

لَيْسَتْ تَقْدُ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ وَالْعَمَى وَالشُّكِّ؛ (ابن قولویه، ۱۳۵۶،

ج: ۱، ۲۲۸)

او کسی است که با قیام خود سنت بندگان خدا را از گمراهی و نادانی و کوری و شک نجات داد.

باید عزاداری او هم چنین اثری داشته باشد و مرثیه او ما را از گمراهی و نادانی به هدایت رهنمون کند. امام باقر علیه السلام در بیانی در توصیف اجتماع عزاداری برای آن امام دقیقاً همین مسأله را بیان می‌کند و فلسفه عزاداری را در راستای احیای دین و اهل بیت و دستورات آنان می‌داند:

فَإِنَّ فِي اجْتِمَاعِكُمْ وَمُدَاكِرَتِكُمْ إِحْيَاءَنَا وَخَيْرَ النَّاسِ بَعْدَنَا مَنْ ذَاكَرَ بِأَمْرِنَا وَدَعَا إِلَى ذِكْرِنَا؛ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۳۴۸)

به درستی که در گرد آمدن شما و سخن گفتن شما احیای ما است و بهترین مردم پس از ما کسی است که ما را در یادها قرار دهد و امر ما را در آن محافل مطرح کند و مردم را به سوی اهل بیت بخواند.

بنابراین، محافل و مجالس عزاداری حسین احیای اندیشه اهل بیت و یادکرد فرهنگ، بزرگداشت ارزش‌های و ترویج فکر و راه آن‌هاست. ثواب مرثیه‌داری و تحقق عزاداری با چنین فلسفه و مقصدی قابل حصول است.

شایان ذکر است، می‌توان با بازنگری و بازسازی مراتب و اهداف بسیاری از حوادث که در جای خود دارای آثار و برکاتی غیر قابل انکار بوده‌اند، آن را دوباره در جامعه زنده کرد. در همه جوامع بشری مرسوم است که از حوادث گذشته خود یاد می‌کنند و به آن‌ها احترام می‌گذارند، بلکه عقلای عالم برای بزرگداشت دانشمندان و مخترعان و قهرمانان ملی و دینی خود آیین‌های بزرگداشتی منظور می‌نمایند، این کار بر اساس یکی از مقدس‌ترین خواسته‌های فطری که از آن به حس حق‌شناسی تعبیر می‌شود، رخ می‌دهد. افزون بر این، گاهی یاد آن خاطره‌ها، همانند تجدید واقعی آن‌ها سبب تأثیری همانند وقوع آن می‌شود، بنابراین هدف از عزاداری‌ها و مراسم حماسه عاشورا، احیای فلسفه عاشورا و استمرار بخشیدن به قیام خونین امام حسین علیه السلام است. (قاسمی، بی تا: ۳)

ادله قرآنی در عزای امام حسین علیه السلام

آیاتی از قرآن کریم، سوگواری برفقید را با صراحت تمام تأیید می‌کنند. در این آیات سوگواری بعضی از پیامبران در فقدان دوستان و عزیزانشان بازگو شده



است (موسوی، بی تا: ۷)، اما آیاتی که به طور صریح و مستقیم، بیان کننده حکم عزاداری باشد، وجود ندارد.

آن چه اکنون تحت عنوان مراسم عزاداری انجام می شود، دست تأیید چند گروه از آیات را بالای سر خود دارد:

الف. آیاتی که به فریاد کردن علیه ظلم، امر می کند یا مجوز می دهد. (نساء/۱۴۸)

ب. آیاتی که تحکیم ولایت را هدف خود قرار داده اند. (مائده/۵۵)

ج. آیاتی که مودت اهل بیت را تأکید کرده اند. (شوری/۲۳)

د. آیاتی که دلالت برسوگواری بعضی از انبیا یا دیگر اولیای الهی داشته اند (یوسف/۸۴)

ه. آیاتی که بزرگداشت شعائر الهی را تأکید می کنند. (حج/۳۲)

با توجه به این که خدای متعال، محتوا و معارف قرآن را به گونه ای تنظیم کرده که تا همیشه تاریخ و در هر عصر و زمانی همه مردم بتوانند از معارف زلال و ناب آن بهره مند شوند و از سویی دیگر پرسش بسیاری از افراد این است که چه دلیلی برای اقامه عزای امام حسین علیه السلام وجود دارد، این بخش از مقاله به پاسخ قرآن به این سؤال می پردازد. در قرآن آیات متعددی وجود دارند که بر عزاداری بر آن امام تأکید کرده اند. این آیات به شرح ذیل می باشد:

آیه اول

﴿وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ
مَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ﴾؛ (هود/۱۲۰)

وهریک از سرگذشت های پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می کنیم، چیزی است که دلت را بدان استوار می گردانیم و در این ها حقیقت برای تو آمده و برای مؤمنان اندرز و تذکری است.

در سوره هود داستان های متعددی از اقوام پیشین و پیامبران گذشته گفته شد و این آیه هدف از ذکر آن داستان ها را بیان می کند. به این صورت که همه این داستان ها را که از پیامبران نقل کردیم برای آن بود که قلب تو استوار و محکم و آرام گردد و با ذکر این اخبار،

حقیقت بر تونازل شد و نیز موعظه و یادآوری برای مؤمنان بود.

«پیامبر اسلام و مؤمنان در مکه زیر فشار و شکنجه کفار قرار داشتند و چه بسا از آینده اسلام نگران بودند ولی با ذکر قصه‌های پیامبران پیشین و شرح مخالفت‌ها و آزار و اذیت‌های مخالفان و نابودی و هلاکت کافران و نجات مؤمنان، به پیامبر اسلام تسلا می‌دهد تا پیامبر و مؤمنان بدانند که این عادت همیشگی مخالفان پیامبران است و نیز بدانند که دین حق بالاخره پیروز است و اهل باطل محکوم به شکست هستند.

ذکر این قصه‌ها علاوه بر این که تسلائی خاطر برای پیامبر اسلام بود، بیانگر حقایقی از این عالم و سنت‌هایی از سنن جاری خداوند در جامعه‌های بشری است.» (جعفری، بی تا، ج ۵: ۳۳۱-۳۳۲)

خداوند متعال در این آیه به پیامبر می‌فرماید ما به چهار دلیل داستان انبیای گذشته را برای تو می‌گوییم:

۱. «نُثِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ»؛ که دلت را بدان استوار می‌گردانیم.

«که آن چه اذیت از قوم خود می‌بینی و ظلم می‌کشی قلبت آرام باشد که خداوند تورا هم نصرت می‌فرماید و نجات می‌بخشد و هم دشمنان تورا هلاک می‌کند و به اشد عذاب می‌اندازد.» (طیب، ۱۳۸۷، ج ۷: ۱۴۴)

کلمه «کَلَّا» اشاره به تنوع این سرگذشت‌ها است که هر کدام به نوعی به جنبه‌گیری‌ها در برابر انبیاء اشاره می‌کند و نوعی از انحرافات و نوعی از مجازات‌ها را و این تنوع، اشعه روشنی بر ابعاد زندگی انسان‌ها می‌اندازد.

تثبیت قلب پیامبر ﷺ و تقویت اراده او که در این آیه به آن اشاره شده یک امر کاملاً طبیعی است، زیرا مخالفت‌های سرسختانه دشمنان لجوج و بی‌رحم، خواه و ناخواه در قلب پیامبر ﷺ اثر می‌گذاشت که او هم انسان و بشر بود. اما برای این که هرگز کمترین گرد و غبار نومیدی و یأس بر قلب پاک او ننشیند، و اراده آهنینش از این مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها به ضعف نگراید، خداوند داستان‌های انبیاء و مشکلات کاران‌ها و مقاومت‌هایشان را در برابر اقوام لجوج و پیروزی آن‌ها را یکی پس از دیگری شرح می‌دهد، تا روح و دل پیامبر و همچنین مؤمنانی که دوشادوش او در این پیکار بزرگ شرکت دارند،

هر روز قوی تر از روز قبل باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۷۴)

در حقیقت خداوند با بیان این داستان‌ها در پی آن است که ای پیامبر قلبت را به واسطه این داستان‌ها آرام گردانیم؛ چراکه همان خدایی که موسی علیه السلام را از نیل عبور داد، پشتیبان توست.

۲. «وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ»؛ و در این‌ها حقیقت برای تو آمده است.

به گفته سید قطب حق از سنت‌های خداوند و برای تصدیق بشارت و وعید است (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۱۹۳۴) و «آمدن حق؛ یعنی روشن شدن و ظاهر گشتن حقیقت و واقعیت در این جریان‌های مربوط به رسولان الهی، که تنها سند قاطع و محکم در این موضوعات کلمات و آیات الهی است و باید در آن آیات کاملاً تحقیق و دقت شود.» (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۱: ۳۳۷)

این قسمت از آیه بیانگر آن است که در تمامی داستان‌های قرآن حق و حقیقتی موجود است که برای مخاطب درس است. به عنوان نمونه در داستان حضرت یوسف علیه السلام درس عفت، گریز از گناه، پاکدامنی و... نهفته است.

۳. «وَمَوْعِظَةٌ»؛ و برای مؤمنان اندرز است.

«موعظه در معنای قرآنی خود عبارت است از: فراخوانی و برانگیختن مخاطب نسبت به اطاعت خداوند و برحذر داشتن او از گناه، معصیت و دلدادگی به دنیا، از طریق انذار و ترساندن او از عواقب سوء رفتار، گناه، معصیت و عذاب دردناک اخروی و نیز بشارت دادن و امیدوار کردن او به نعمت‌ها و پاداش‌های الهی در دنیا و آخرت در برابر اطاعت و فرمانبری از دستورات خداوند؛ به نحوی که در اثر این بیم دادن و امیدوار ساختن، عواطف مخاطب تحریک و قلبش نرم و خاشع گردد و زمینه اصلاح و تغییر رفتار در او فراهم آید.» (قائمی مقدم، ۱۳۸۵: ۲۲۱) و در این آیه به موعظه به معنای آن است که؛ مؤمنان هنگامی که احوال امت‌های گذشته و آن چه که بر آن‌ها گذشته را متذکر می‌شوند، اندرز می‌پذیرند. (بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۵۰۹)

«وَذِكْرِي»؛ و تذکری است.

تذکر و یادآوری در زندگی انسان اهمیت بسیار زیادی دارد. زیرا یادآوری معلومات و

مهارت‌های گذشته، انسان را برای مقابله با مشکلات آینده توانا می‌سازد و موجب تکامل او می‌گردد. به عنوان نمونه، دائماً به یاد خدا بودن و یادآوری تفصّلات و نعمت‌های فراوانی که خداوند عطا فرموده است و نیز یادآوری آخرت و روز جزا و پاداش و کیفری که در انتظار انسان است، دارای اهمیت فراوانی است، زیرا انسان را به تقوا و عمل صالح و آراسته شدن به فضایل اخلاقی و می‌دارد. یادآوری داستان‌های قرآن نیز به همین صورت است. به بیانی دیگر بیان این داستان‌ها موجب یادآوری و بیداری آدمی می‌گردد.

در این آیه معجزه ایجاز و اختصار آن چنان است که گویی تمام اعجاز سرگذشت‌های گذشته را در خود جمع کرده و با چند جمله کوتاه همه فواید آن‌ها را بیان نموده است. به هر حال این آیه تأکید می‌کند که تواریخ قرآن را نباید سرسری شمرد و یا به عنوان یک سرگرمی از آن برای شنوندگان استفاده کرد چرا که مجموعه‌ای است از بهترین درس‌های زندگی در تمام زمینه‌ها و راهگشایی است برای همه انسان‌های امروز و فردا (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۸۵)

نیک روشن است می‌توان این آیه را دلیل متقنی برای اقامه عزاداری سیدالشهداء دانست. چرا که؛ یکی از دلایل اصلی برپایی این مجالس این است که به ذکر مصائب آن حضرت پرداخته شود. این مراسم بابرکت از دیرباز نقشی فعال در رشد باورهای مذهبی و فضایل و کرامت‌های انسانی و فراموش نشدن خاطره سلحشوران عاشورا و شناساندن مقام پیشوایان بزرگ اسلام و افشاگری جنایت‌های بیدادگران، ایفا کرده است. هدف اهل بیت علیهم‌السلام از این همه پافشاری برزنده نگهداشتن نام و یاد و خاطره مقاومت بزرگ حامی حق، امام حسین علیه‌السلام احیای اهداف و مقاصد والای آن حضرت و ابلاغ مظلومیت آل علی علیهم‌السلام به گوش تاریخ بوده است. این امر عزاداری و مجالس حسینی به دلیل قالب و محتوای جذابی که دارد، بهترین راه انتقال معارف اسلامی و احکام الهی و صیانت دین از انحراف و از هجوم بی‌امان دشمنان قسم خورده است (باقری بیدهندی، بی تا: ۸)

لذا نتیجه اصلی مراسم عزاداری، سازندگی و آماده سازی فرد و جامعه برای احیای افکار مذهبی - سیاسی امام حسین علیه‌السلام است. این مراسم، سازنده جوانان غیور و شهادت طلب است؛ سازنده مادران شجاع و با شهامتی است که عزیزان خود را قربانی

می‌کنند. این مراسم، فعالیت‌های سیاسی امتی مکتبی را سازماندهی می‌کند و سرانجام، این مراسم، سازنده و تداوم‌دهنده تاریخ اسلام است. (ترکمنی آذر، بی تا: ۴)

آیه دوم

﴿وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج/۳۲)

وهرکس شعائر خدا را بزرگ دارد در حقیقت، آن [حاکمی] از پاکی دل هاست.

کلمه شعائر جمع شعیره است و شعیره به معنای علامت است، و شعائر خدا علامت‌هایی است که خداوند آن‌ها را برای اطاعتش نصب فرموده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۳۷۳) و شعائر الله علامت‌هایی است که انسان را به یاد خدا می‌اندازد و خاطره‌ای از خاطرات مقدس را در نظرها تجدید می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۳۹)

شایان ذکر است «شعائر الله یعنی چیزهایی که نشانه دین و ایمان به خداست. بنابراین هر چه نشانه و علامت دین و ایمان باشد جزء شعائر الهی است و از همین قبیل است مشعر الحرام و تمام مقامات حج و اماکن مشرفه و مجالس موعظه و بیان احکام و فضائل خاندان پیغمبر و مساجد و اعیاد و سوگواری‌ها همه از شعائر دین است و تعظیم شعائر مذهبی ممدوح بلکه در بسیاری از موارد لازم و نشانه تقوی است.» (طیب، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۶۳)

شایسته‌ترین عنوانی که می‌توان از قرآن برای عزاداری برای امام حسین علیه السلام، نشان داد، «تعظیم شعائر الهی» است. همان‌گونه که قرآن در آیه فوق فرموده است. «شعائر»، جمع شعیره، به معنای علامت و نشانه است. قرآن کریم، خود برخی از مصادیق این نشانه‌ها را بر شمرده است که: صفا و مروه و شتری که برای ذبح در منی می‌برند از آن جمله است. وقتی ذبیحه حج در منطقه مقدّس (صفا و مروه)، به دلیل ارتباط و انتساب آن‌ها به خدا، از نشانه‌های او محسوب می‌شوند، به تنقیح مناط و به طریق اولویت، اولیای خدا، به دلیل ارتباط و انتساب بیشتر، مصداق‌های روشن‌تری برای شعائر الهی‌اند. از سوی دیگر تعظیم شعائر، طریقی دارد که شادمانی در ایام سرور اولیا، و حزن و عزاداری در سال روز

مصائب آنان، از آن جمله است. اگر کعبه و صفا و مروه و منی و عرفات، که جملگی از جمادات اند، به حرمت ارتباط با آیین خدا و انتساب به او، احترام می‌یابند، آیا بزرگداشت دوستان و اولیای او، تعظیم شعائر الهی نیست؟ (بابایی، ۱۳۸۲: ۳)

علاوه بر قرآن با مراجعه به عقل سلیم نیز پی می‌بریم که برپایی مراسم عزای اولیای الهی، خصوصاً سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام موافق با عقل می‌باشد، زیرا احیای تکریم آنان در حقیقت تکریم شخصیت‌های عظیم و زنده نگهداشتن مکارم اخلاقی و شعارهای آنان است و هرامتی که بزرگان خود را تکریم نکنند محکوم به شکست و نابودی است. زیرا این بزرگانند که تاریخ امت‌ها را ترسیم کرده و صفات پاک انسانی را در مردم می‌پراکنند و جوامع انسانی را می‌سازند (رضوانی، ۱۳۹۱: ۱۳۷)

بنابراین، به طور عموم می‌توان استفاده نمود که هر زمان، یا در هر مکان، فعل یا عملی که یاد خدا و زمینه تقوا و رشد معنوی و روحی را فراهم آورد، در صورتی که در چهار چوب قوانین و دستورات اسلام قرار داشته باشد، جزء شعائر الهی به شمار می‌آید. با توجه به دلایلی که عزاداری‌ها را مشروع دانسته، به طور مسلم مراسم عزای برای بندگان خاص خداوند که بحق، قرآن ناطق و حج مجسم بودند و برای اعتلای کلمه توحید جان خود را قربانی ساختند، از بارزترین نشانه‌ها و شعائر است؛ زیرا در این مراسم جز فراگیری مسائل دین و یادآوری شهامت‌ها و ایثارگری‌های شهیدان بزرگ اسلام، سخن دیگر طرح نشده و سخن از دشمنی با دشمنان خدا و دوستی با دوستان خدا گفته می‌شود و همان گونه که قربانی در عید قربان از سنت‌های اسلامی و از شعائر به شمار می‌رود، یادآوری حزن آلود یاد قربانی کربلا و سایر قربانیانی که جان خود را در راه خدا قربانی نمودند از شعائر بزرگ الهی خواهد بود.

آیه سوم

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری/ ۲۳)

بگوبه ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی دربارہ خویشاوندان.

«مراد از ذوی القربی مفسرین عامه تأویلاتی دارند. بعضی گفتند: مراد ذی القربی

شخصیت است؛ یعنی هرکس نسبت به ارحام و خویشاوندان خود مودت داشته باشد. بعضی گفتند: مراد قریش هستند. بعضی گفتند: مراد اولاد عبدالمطلب هستند. لکن به ضرورت دین اسلام و نص اخبار متواتره مراد اهل بیت پیغمبر علیهم السلام علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و در بسیاری از اخبار ائمه اطهار علیهم السلام هستند. (طیب، ۱۳۸۷: ۴۸۱)

از جمله راه‌های رسیدن به محبت و مودت به اهل بیت علیهم السلام، حرکت تدریجی و پیوسته، در مسیر کمال و یا به عبارتی «صراط مستقیم» است. برای این که بتوان در این مسیر از توشه کافی و ذخایر معنوی برخوردار گشت، باید به نورانیت دیده و دل افزود و این امر میسر نخواهد شد مگر این که پیوسته از سخنان و کمالات گهربار ائمه اطهار علیهم السلام استفاده نموده و مجالس خود را با فرهنگ ائمه معصومین علیهم السلام غنی و مروج نیکی‌های آن‌ها در میان خانواده، دوستان، آشنایان و آحاد جامعه بود.

لذا از آن جایی که مطابق نص صریح و روشن قرآن محبت خاندان رسالت واجب است، بنابراین می‌توان گفت: فلسفه گریه بر امام حسین علیه السلام و اقامه عزا برای مصائب ایشان، اظهار ارادت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام آن بزرگوار است. بی‌تردید، اظهار محبت نسبت به خاندان پیامبر از طریق سوگواری برای سالار شهیدان همان طور که اشاره شده پسندیده و تعظیم شعائر الهی است، لیکن تأمل در روایاتی که توصیه و تأکید بر تداوم اقامه ماتم بر سیدالشهداء دارند ایجاب می‌کند که عزاداری برای ایشان، فلسفه‌ای بسیار فراتر از اظهار محبت به اهل بیت علیهم السلام داشته باشد. بلکه از نگاه سید بن طاووس، اگر امتثال امر کتاب و سنت نبود، اظهار محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام ایجاب می‌کرد که به دلیل منزلت والایی که امام حسین علیه السلام و یارانش به واسطه شهادت بدان دست یافتند، اظهار مسرت و شادمانی کنیم. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷: ص ۱۹-۲۰)

متن سخن ایشان این است: اگر نبود که پوشیدن لباس سوگ و مصیبت، به خاطر از میان رفتن نشانه‌های هدایت و تأسیس پایه‌های گمراهی، و تأسف بر سعادت که از دست دادیم و افسوس بر چنین شهادتی امتثال امر کتاب و سنت است، ما در برابر آن نعمت بزرگ لباس شادی و خوشحالی می‌پوشیدیم و چون در بی‌تابی و سوگواری، خشنودی صاحب روز معاد هست و نیکان در آن غرضی دارند، ما لباس عزا پوشیدیم و همواره

اشک ریختیم و به چشم هایمان، گفتیم: همواره بگیرید و به دل هایمان گفتیم: همانند زنان جوان مرده ماتم بگیرید. (سید بن طاووس، ۱۳۸۹: ۸۳)

بدین ترتیب اجر رسالت، دوستی با خویشان پیامبر است و اقتضای این دوستی، گریستن در مصیبت آنان و شادمانی در سرور آنان است. به همین جهت اظهار مودت به حضرت سیدالشهداء که یکی از اقرباء پیامبر هستند، با عزاداری بر مصائب ایشان آشکار می‌گردد.

نتیجه گیری

پرسش اصلی این تحقیق، اقامه عزای امام حسین علیه السلام از منظر قرآن است. پژوهش حاضر پس از بررسی مستندات قرآنی، تفسیری، روایی و... به این نتیجه دست یافته است:

۱. از روزی که پیشوای آزادگان امام حسین علیه السلام با یاران و اهل بیت خود، در سرزمین کربلا و بال لب تشنه در کنار آب فرات به صورت مظلومانه و به طرز فجیعی، به شهادت رسیدند، قاطبه امت اسلامی از اهل سنت و تشیع عزادار بوده‌اند. زیرا عزاداری امری است که خداوند متعال در قرآن بدان اشاره کرده است. از منظر قرآن عزاداری از مصادیق بارز شعائر الهی است که به تعظیم آن در آیات سفارش شده است و علی رغم دیدگاه مخالفان مبنی بر عدم لزوم اقامه عزای بر آن حضرت، عزاداری برایشان امری پسندیده دانسته شده است.

۲. قرآن در آیه ۱۲۰ سوره هود، بازگویی مصائب حضرت را موجب موعظه و تذکر دانسته است. این آیه تأکید می‌کند که تاریخ را نباید سرسری شمرد و یا به عنوان یک سرگرمی از آن برای شنوندگان استفاده کرد چرا که مجموعه‌ای است از بهترین درس‌های زندگی و از آن جایی که در عزاداری آن حضرت به زندگی آن امام و ذکر مصائب ایشان پرداخته می‌شود، این مراسم بابرکت نقشی مؤثر در رشد باورهای مذهبی و فضایل و کرامت‌های انسانی خواهد داشت.

۳. بر اساس آیه ۳۲ سوره حج شایسته‌ترین عنوانی که می‌توان از قرآن برای عزاداری برای امام حسین علیه السلام، نشان داد، «تعظیم شعائر الهی» است. از آن جایی که تعظیم شعائر

الهی طرفی دارد و اقامه عزای برآن حضرت یکی از این راه‌هاست، این آیه را می‌توان تأکید قرآن بر عزاداری آن حضرت برشمرد.

۴. در آیه ۲۳ سوره شوری مطابق نص صریح و روشن قرآن محبت خاندان رسالت واجب است. اجر رسالت، دوستی با خویشان پیامبر است و اقتضای این دوستی، گریستن در مصیبت آنان و شادمانی در سرور آنان است. به همین جهت اظهار مودت به حضرت سیدالشهداء که یکی از اقرباء پیامبر هستند، با عزاداری بر مصائب ایشان آشکار می‌گردد.



منابع

- قرآن کریم. (۱۴۱۴ق). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶). کامل الزیارات. چاپ اول. نجف: دارالمرتضویة.
- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۹۳). کتاب فرهنگ معاصر عربی-فارسی. چاپ شانزدهم. بی جا: نشر نی.
- ایازی، سید محمد علی. (بی تا). نگاهی به عزاداری های حسینی. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
- بابایی، رضا. (۱۳۸۲). «عزاداری؛ بدعت یا سنت؟»، خردنامه همشهری، شماره ۱۵.
- باقری بیدهندی، ناصر. (بی تا). بایدها و نبایدهای عزاداری. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
- بغدادی، علاءالدین علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). لباب التأویل فی معانی التنزیل. تصحیح محمد علی شاهین. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ترکمنی آذر، پروین. (بی تا). عزاداری، میتینگ و فریادی برای مکتب سیدالشهدا علیه السلام. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
- جعفری، یعقوب. (بی تا). تفسیر کوثر، بی جا: بی نا.
- حجازی، ایرج. (۱۳۹۳). سیره ائمه: در عزاداری امام حسین علیه السلام با رویکرد رسانه ای. قم: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چاپ اول. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- رضوانی، علی اصغر. (۱۳۹۱). وهابیت و تعظیم شعائر. تهران: مشعر.
- سید بن طاووس، لهوف. (۱۳۸۹). ترجمه: محمد جواد مولوی نیا. چاپ چهاردهم. قم: انتشارات سرور.
- سید بن قطب، ابراهیم بن شاذلی. (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن. چاپ هفدهم. بیروت:

دارالشروق.

- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۸۷). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسلام.
- عصمتی، سبحان. (بی تا). *عزاداری ازنگاهی دیگر*. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
- قائمی مقدم، محمدرضا. (۱۳۸۵). «موعظه ونصیحت درقرآن». تربیت اسلامی، شماره ۳.
- قاسمی، حکیمه. (بی تا). *فلسفه عزاداری یا اهمیت سوگواری*. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
- کویانی، محمد. (بی تا). *روان شناسی عزاداری*. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۷). *فرهنگ نامه مرثیه سرایی وعزاداری سیدالشهداء علیه السلام*. تهران: مشعر.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*. تهران: مرکز نشر کتاب.
- معین، محمد. (۱۳۸۰). *فرهنگ فارسی*. چاپ هجدهم. بی جا: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامی.
- ----- (۱۳۸۸). *احکام عزاداری مطابق با فتاوی حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)*. قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- موسوی، سید احمد. (بی تا). *سوگواری بر امام حسین علیه السلام*. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.